



از نگاه  
فریدون  
ایل بیگی

m.ilbeigi@yahoo.fr

نوشته ها سیاسی

### توضیحا بگویم :

قصید من ، نشر نوشته های فریدون است و نه « تبلیغ » برای این و آن سازمان و تشکیلاتی - که سالهای سالست که وجود خارجی ندارند و گناه من نیست که نوشته های فریدون در این نشریات آمده اند ؛ او به راه خود می رفت و منم به راه خودم و همیشه و در همه موارد با هم موافق نبودیم .

به نظرم ، هنوز هم ، امروز ، خواندن نوشته هایش عبرت انگیزست و قابل استفاده . م. ایل بیگی

برچیده هائی از توضیحات فریدون ایل بیگی در کتاب :

" ما توپاماروها " ( جلد سوم )



منظور ( ... ) بهیچوجه کم جلوه دادن انقلاب های درخشان شوروی ، چین و کوبا ؛ یا عدم استفاده از تعلیمات گرانبهای آنها نیست . بلکه لبه تیز انتقاد متوجه بعضی از نسخه نویسان " انقلاب پرولتری " یا پاره ای از رونوشت برداران احساساتی " جنگ انقلابی " معاصر است از انقلابهای موفق گذشته . انتقاد [ ... ] مربوط به " شکل ظاهری " این انقلاب ها ، و متوجه مقلدان آنهاست که برای پیاده کردن این " اشکال ظاهری " با سماجت تلاش میکنند ؛ و در پاره ای از موارد در کوره راه تقلید تا آنجا پیش میروند که رونوشت مطابق اصل در میآید ، بدون اینکه محتوای مکانی و زمانی را در نظر بگیرند .

( ما توپاماروها / تجربیات جنگ چریکی شهری / اروگوئه ، بدون نام مترجم ، از انتشارات سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور (بخش خاورمیانه ) ، فروردین 1353 ، زیر نویس 1 ، ص 52 ) .

مکنست بجایی " نمونه و سر مشق " ، " فرد استثنائی " و " شهید " سازی ، کشته شدن يك مبارز را در مقابله با پلیس و یا در زیر شکنجه بعنوان " يك حادثه ناشی از کار " تلقی کردن ، ما را شوکه کند . ولی چه میشود کرد ؟ چه بخواهیم قبول کنیم یا نه ، این حقیقتی است که وجود دارد . جنبشی وجود دارد که علیرغم تمام ارزش و احترامی که برای مبارزین از پا درآمده خود قائل است ، به قهرمان نمائی و شهید سازی توجهی ندارد ، خود را در گذشته محدود نمیکند ، به آینده نظر میدوزد ( ... ) نگارنده این سطور را نظر بر این نبوده و نیست که مقام شامخ قهرمانان برجسته و انسانهای شریفی را که قهرمانانه زیسته اند و به خاطر هدفهای بزرگ تاپای ( ... ) جان مردانه ایستاده اند ، احتمالاً کم بهاء جلوه داده شود ، یا با سکوت برگزار گردد و یا تعلیمات پراچ زندگی و مرگ آنان به دیگران انتقال نیابد . ابداً ! بلکه منظور اینست که از گذشته نگرى مبالغه آمیز ، از اصل فدای فرغ شدن اجتناب بعمل آید: به حرف بیش از عمل ، به شکل بیش از محتوی اهمیت داده نشود .

این متأسفانه نه فقط نزد ما ، بلکه يك کم در همه جای دنیا بصورت يك عادت ، يك مرض مزمن ، يك سنت ، يك مذهب درآمده است : پس از هزاران سال ، همچنان به نوحه سرائی و به به گوئی قهرمانان ملی و مذهبی گذشته میپردازند . ما این حرف مسخره عده ای را قبول نداریم که : باید تاریخ را از عدد صفر شروع کرد . نه ، فقط در يك جمله حرف در این است که آن قهرمانان شماره ناپذیر ( چه با نام و آوازه ، و چه ناشناس و گمنام ) به این منظور شقه شقه نشده اند ، توی شعله های آتش خاکستر نگردیده اند ، خنجر نخورده اند ، زیر گیوتین نرفته اند ، وحشیانه ترین شکنجه ها را تحمل نکرده اند ، در مقابل جوخه آتش قرار نگرفته اند تا دیگران در مرگشان نوحه و زاری سر دهند یا به به و چه بگویند . ( همان ، زیر نویس 23 ، ص 150 )

اینهارا هم ببینید :

فریدون دانشی که رفت... (زندگینامه) کمی بلند [HTM](#) [PDF](#) کوتاه [PDF](#) [HTM](#)

آخرین همسفر (منتخب اشعار) [HTM](#) [PDF](#)

نوشته های سیاسی نوشته های پراکنده (ترجمه ها) عکسها

